

گفت‌وگوی صبا با عادل تبریزی، کارگردان فیلم پرفروش اکران

## «مفت‌بر» یک کمد



فیلم «مفت‌بر» به کارگردانی عادل تبریزی و تهیه‌کنندگی حسین فرحبخش از کمدی‌های پرفروش امسال سینما بوده و با حضور بازیگران مطرحی مانند حامد بهداد، سحر دولتشاهی، رضا بابک و... به داستانی عاشقانه در قالب یک موقعیت کمدی می‌پردازد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با کارگردان این فیلم را می‌خوانید.

مریم عظیمی  
گفت‌وگو

**آقای تبریزی با توجه به اینکه فیلم «گیج‌گاه» را یک فیلم کمدی قلمداد نمی‌کنید آیا فیلم «مفت‌بر» را یک فیلم کمدی می‌دانید؟**

بله مفت‌بر یک فیلم کمدی موقعیت است.

**آیا عادل تبریزی از مامی خواهد که در حین تماشای فیلمش به زیر لایه‌های احتمالی و معانی عمیق‌تر فکر کنیم یا بیشتر جنبه سرگرمی را در نظر دارد؟**

«مفت‌بر» یک فیلم کاملاً سراسر سرگرم‌کننده است اما می‌توان در بطن خود قصه و در اتفاقی که در داستان فیلم رقم می‌خورد به برداشتهای اجتماعی هم رسید ولی تکلیف فیلم «مفت‌بر» خیلی مشخص است و سعی بر این بوده که یک فیلم سرگرم‌کننده برای مخاطب باشد. همانطور که در اولین دیالوگ فیلم حامد بهداد روی عرشه کشتی می‌گوید مسافران عزیز ساعت خوشی را برای شما آرزومندم یعنی از همان ابتدا سعی می‌کنم که تکلیف مخاطب را با فیلم روشن کنم و بدانم که با یک فیلم سرگرم‌کننده روبرو است.

**با این توصیفات در مورد انتخاب آکوار یوم زالو به جای هر گزینه دیگری به عنوان شغل پدر کاراکتر کامران بگویید.**

حقیقتاً هدفی برای نمادگرایی در این زمینه در میان نبوده اما در معرفی کاراکتر کامران، آکوار یوم زالو و شغل پدر کامران که پرورش زالو است به تنهایی کفایت تادر تناقض با شرایط زندگی هومن قرار بگیرد. یعنی از بالاترین رده اقتصادی اجتماعی تا پایین‌ترین حالت ممکن آن و این همان تناقضی است که ما به دنبالش بودیم و باید بین زندگی کامران و هومن شکل می‌گرفت تا در جابجایی این دو کاراکتر با هم به شکل متفاوتی برسیم و حال زیر لایه کاراکتر کامران را می‌بینیم که در آن شکل و الگوی تربیتی و با آن پدر مادر تبدیل به مردی در زندگی نیلوفر می‌شود که گویی از دل قصه‌ها و فیلم‌ها بیرون آمده است یعنی بعد اخلاقی و انسانی کاراکترش اینگونه است و این تناقض مهم‌ترین عنصری است که ما باید در پرداخت به زندگی کامران و هومن آن را در نظر می‌گرفتیم.

**اساساً خود کمدی موقعیت نیز از همین تناقض‌ها تغذیه می‌کند.**

بله صد در صد، حامد بهداد در بازی این دو کاراکتر تناقضی را رقم می‌زند که به نظر من بسیار قابل تحسین است، اینکه حامد بهداد چگونه باید کاراکتر هومن را بازی کند که هیچ جذابیتی برای مخاطب و نیلوفر قصه و آدم‌های قصه نداشته باشد که وقتی کامران وارد می‌شود کاملاً در تناقض با هومن قرار بگیرد. من به حامد بهداد گفتم تو چگونه می‌توانی این نقش را بازی کنی در حالی که حتی اگر هیچ دیالوگی نگویی و صرفاً جلوسوی دوربین قرار بگیری خودت یک کاراکتر کاربزماتیکی هستی و چگونه باید این را بشکنیم که مخاطب و انسان‌های قصه از کاراکتر هومن بدشان بیاید و به این ترتیب با ورود کامران به قصه‌ی نیلوفر، کامران پررنگ‌تر دیده شود و مخاطب نیز این را دریافت کند. بنابراین بازی نقش هومن برای ایجاد یک تناقض و برای رسیدن به کامران ریسک بزرگی بود که حامد بهداد انجام داد و کاملاً قابل تحسین است.

**در صحنه میهمانی تولد رضا بابک همه چیز به ابتذال دنیای نیلوفر و کاراکتر هومن اشاره دارد در این مورد بگویید.**

در ابتدا بگویم که من سعی کردم فیلم «مفت‌بر» را تبدیل به یک پارودی سینمایی کنم و این برای من راهی بود برای اینکه بتوانم رد پای خود را در این قصه بگذارم و اثر بیگانه‌از من نباشد. حال این پارودی سینمایی از جایی شکل پیدا می‌کند که مهم‌ترین دیالوگ نیلوفر به کامران مطرح می‌شود و می‌گوید که تو شبیه مردهای توی فیلم‌ها شده‌ای و انگار این جنس مرد و این جنس رابطه دیگر وجود ندارد. یک پلانی در همان میهمانی وجود دارد که سبیل سیامک محمودی که خود از روی صورتش کنده، میان دست و پاهایی که می‌رقصند روی زمین می‌افتد و آن کدی است که به همان چیزی که می‌گویید اشاره می‌کند ابتذال از ارائه شکل مردی که بتوان به او تکیه کرد، مردی که

بله در سال‌های اخیر تفکری ایجاد شده و برخی از آدم‌ها حاضرند به هر شکلی که شده از کشور مهاجرت کنند اتفاقاً چند وقت پیش کلیپی در فضای مجازی دیدم که می‌گفت چه آنکه رفته در غربت است و چه آنکه مانده، من هم یک نگاه انتقادی کمدی نسبت به این مسئله داشتم و آن شکل کاریکاتوری هم برای کاراکتر هومن که متعلق به طبقه بالا دست است شکل گرفته که حال اختلاس کرده و می‌خواهد به هر شکلی از کشور خارج شود و برود. اگر چه در این سکانس این تصویری کاریکاتوری شکل می‌گیرد اما سعی بر این بوده که در دل آن رئالیسمی که متعلق به فیلم «مفت‌بر» هست منطبق پیدا کند.

**استفاده از رنگ در طراحی صحنه و لباس‌ها و حتی لوکیشن‌هایی که انتخاب شده بسیار متنوع است و اغلب از رنگ‌های شاد استفاده شده از تأثیر این انتخاب روی خود مبحث کمدی و حس سرگرم‌کنندگی کار بگویید.**

بله فیلم کمدی است و هدف آن سرگرم‌کنندگی است و قطعاً رنگ در آن اهمیت بسیار دارد چرا که باید دنیایی شکل پیدا کند که برای مخاطب و تماشاگر چشم نواز باشد و قطعاً برای من رنگ و حتی المان‌های کاراکترهایی که با رنگ کاپشن قرمز و کلاه‌های زرد و قرمز می‌بینیم اهمیت داشته و اشاره‌ای که من به طراح صحنه و لباسم داشتم این بود که واقعاً برای این فیلم دنیای پرنرنگ و پرشوری بسازیم و تمداً برای آن دنیای کمدی قصه است که بتواند برای تماشاگر دیندی‌تر باشد

در دنیای امروز در جایگاه یک اختلاسگر یا یک فرد قدرتمند قرار گرفته و اگر بخواهیم به آن بعد وسیع جامعه شناختی‌اش نگاه کنیم پلان آن سببیل که زیر دست و پاها می‌افتد پلان بسیار مهمی در همان راستا که گفتید است و حال آدمی به اسم کامران که انگار از دل سینما بیرون آمده و از جنس مردان سینما، مردانی مثل رضا موتوری و ماه عسل است. از جنس آدمی که می‌توان به او تکیه کرد و عشق ورزید و انگار با آمدن کامران، قصه به شکل دیگری برای نیلوفر رقم می‌خورد و این پارودی برای من بسیار مهم بود و حتی بی‌منطقی یک سری چیزهایی که صریح بتوانی سراغش بروی. در همان فیلم فارسی‌های پیش از انقلاب نکته‌های مهم بود یعنی ما اخلاق‌مداری، خانواده و احترام به عشق را در آن آثار می‌دیدیم و کاملاً مشهود بود. یک پلانی خود فیلم «مفت‌بر» دارد که برای خود من بسیار ارزشمند و جذاب است وقتی می‌بینیم که کامران بعد از این همه ماجرا و پس از تجربه زندگی در طبقه‌ای که به آن تعلق ندارد در پلان پایانی در کمال آرامش کنار همان آکوار یوم پرورش زالو و کنار پدر و مادرش خوابیده است و انگار تمام این ماجراها را خواب دیده و باز نگاه من به این طبقه‌ای که پایین دست است یک نگاه پرمهر و پراز عشق است و در نهایت نیلوفر است که از آن طبقه بالا بدنبال کامران می‌آید.

**در سکانس «آژدر» آنچه که توجه مرا جلب کرد نگاه انتقادی و کاریکاتوریزه شده شما به آن تفکر فرار به هر شکل از کشور بود. در این مورد بگویید.**